

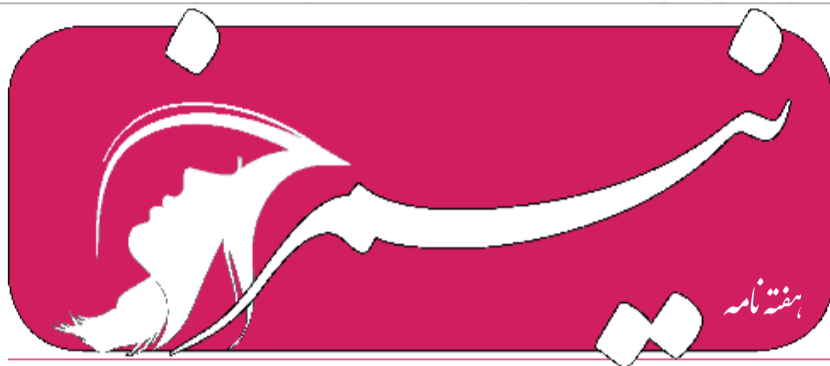


تبسم؛ دختری که تیغ تعصب و خشونت گلویش را برید!

مردان متاهل؛ میوه‌های ممنوعه!



■ سال دوم  
■ شماره ۶۱  
■ سه‌شنبه  
■ ۲۲ عقرب ۱۳۹۷  
■ قیمت ۱۰ افغانی  
■ Monday  
■ November 13, 2018  
■ Vol. 2  
■ No. 61



این جا، چراغی روشن است

شما همیشه می‌توانید برای سال‌گرد ازدواج، شوهرتان را غافل‌گیر کنید. فقط کافی است یادش بیاورید که آن روز سال‌گرد ازدواج شماست!!  
گلوریا استاینم



رویکرد نیمه‌خ

## زنان و کودکان؛ قربانیان اصلی جنگ

جنگ بدترین پدیده‌ی ابتکار بشر است که در طول تاریخ از انسان‌ها و طبیعت قربانی‌های بی‌شمار گرفته است. افغانستان در چندین قرن متمادی درگیر جنگ و به عنوان قربانی جنگ بوده و این روند هنوز هم ادامه دارد. امروز در اکثریت ولایت‌های کشور جنگ جریان دارد و هر دو جانب قربانی‌های سنگینی را متحمل می‌شوند. در یک سوی جبهه جنگ‌های امروزی، گروه‌های تروریستی قرار دارند که به هیچ یک از اصول انسانی و حقوق بشری باورمند و پایبند نیستند. در جبهه مقابل، نیروهای امنیتی کشور و ملت قرار دارند که برای دفع حمله‌ها و سرنگونی آنان می‌رزمند.

این یک امر طبیعی است که مردم از وقوع جنگ در سرزمین شان آسیب می‌بینند و با تداوم جنگ ضمن افسارگسیخته‌گی اوضاع سیاسی-اقتصادی کشور، اصول و قواعد حقوق بشری نیز زیر پا می‌شود و در این میان بیش‌تر از همه، زنان و کودکان آسیب می‌بینند. در جنگ کنونی افغانستان که فصل مبارزه با تروریسم است، بیش از هر چیز دیگری اوضاع حقوق بشری زنان و کودکان نگران‌کننده است. زنان و کودکان به حیث اصلی‌ترین قربانیان بی‌دفاع جنگ از دو سوی جبهه آسیب می‌بینند. بنابراین، نیاز به بذل توجه نهادهای مسوول دولتی، نهادهای حقوق بشری و ناظران بین‌المللی است تا به این تیپ از قربانیان همیشه‌گی جنگ در سراسر افغانستان امداد رسانی کنند. آواره‌گان جنگ به سرپناه، مواد خوراکی، پوشاک و لوازم بهداشتی نیاز دارند.

امروز هزارها زن و کودک از مناطق مختلف جنگ‌زده افغانستان به ویژه در جنگ‌های تازه‌ی ارزگان و غزنی آواره شده‌اند و در معرض آسیب جدی از سرمای زمستان و گرسنه‌گی قرار دارند. نهادهای مسوول قبل از نتیجه اقدام‌های بنیادین نظامی و گيرودار سیاسی صلح، باید به این آواره‌گان جنگ به صورت عاجل کمک‌رسانی کنند.

## دست‌آوردهای هفده سال اخیر زنان با هیچ‌گونه صلحی قابل‌معامله نیست

● صفحه ۳ ●

گزارش نیمه‌خ

## حضور گسترده زنان در اعتراضات مدنی



در پی حمله طالبان بر ولسوالی‌های جاغوری و مالستان ولایت غزنی و ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان، هزاران تن از باشنده‌گان شهر کابل دست به اعتراض زدند. معترضان یکشنبه شب، ۲۰ عقرب با تجمع در پیش‌ارگ ریاست جمهوری خواستار حمایت فوری دولت از مردم ولایت‌های ارزگان و غزنی شدند. تعدادی از بانوان معترض در گفت‌وگو با «هفته‌نامه نیمه‌خ» گفتند که آنان خواستار امنیت و پایان دادن جنگ در افغانستان است؛ اما از آنجایی که در دو ولایت ارزگان و غزنی جنگ جریان دارد ما از مسوولین امنیتی می‌خواهیم که به صورت جدی و عاجل به کمک مردم بشتابند.

معترضان مسوولین نهادهای امنیتی را در مدیریت جنگ بی‌کفایت خواندند و ضمن این‌که از نبود اراده‌ی لازم برای سرنگونی گروه تروریستی طالبان شکایت کردند، ابراز داشتند که دست‌اندرکاران جنگ افغانستان هرگز نمی‌خواهند این جنگ‌های ویرانگر پایان یابد.

در همین حال، آنچه که در شعار معترضان نبود ولی بیشتر مردم افغانستان بدان باورمند هستند این است که جریان جنگ‌های

افغانستان با جغرافیای قومی رقم می‌خورد. بسی گل شریفی، یک تن از اشتراک‌کننده‌گان در تظاهرات مردمی کابل در گفت‌وگو با «هفته‌نامه نیمه‌خ» گفت: «دولت آگاهانه در مورد امنیت مناطق هزاره‌نشین سهل‌انگاری می‌کند. این امر را سال‌هاست که با از دست دادن بسیاری از مردم ملکی و نظامی در این مناطق شاهد بوده‌ایم. این‌روزها سال‌گرد سر بریده شدن شکریه و مسافران دیگر در سه سال پیش در زابل است. آن‌روز هم به خیابان آمدیم

● ادامه در صفحه ۲ ●

## بال خونین کبوترهای صلح



کبوترهای صلح

آخرین پاییز زندگی شان را در جاده‌های شهر کابل نفس کشیدند، فریاد زدند تا زندگی دیگران بهاری بماند، شکوفه کنند و سبز شوند.

فاطمه و فرشته؛ دو گل سرخ که در پاییز سرد و سرما بارانی پژمرده شدند، جان دادند تا زمستان آوارگانی ارزگان، جاغوری و مالستان را به چشم نبینند که کودکی زیر سخره‌های یخ جان می‌دهند.

فرشته و فاطمه؛ نه به‌خاطر والی شدن جاغوری به خیابان آمده بودند و نه به‌خاطر برق بامیان و سرک دایکندی... بلکه به‌خاطر حق زندگی و نجات از مرگ آوارگان و کودکان که در جاغوری و مالستان و ارزگان زیر گلوله‌های مرگ و آتش جنگ نفس می‌کشیدند به‌صحنه آمده بودند تا در دفاع از حق زندگی آنان صدای عدالت‌خواهی شان را بلند کنند؛ افسوس که هر دو ناخواسته به کام مرگ رفتند و کبوترهای صلح با بال‌های خونین به آسمان‌ها پرواز کردند.

یاد تان گرمی باد..



## مردان متاهل؛ میوه‌های ممنوعه!

بسیاری از مردان متاهل با استفاده از جایگاه‌شان در اجتماع و داشتن زن و فرزند می‌کوشند با دختران جوان و مجرد ارتباط برقرار کنند

بیش‌تر قربانیان این نوع مردان، دختران جوانی هستند که آرزوهای بلندی دارند. این دختران ممکن زیر فشار خانواده در اجتماع فعالیت می‌کنند، یا مورد خشونت مردان خانواده قرار گرفته‌اند و به این‌گونه مردان متاهل اعتماد می‌کنند. در افغانستان اعتماد به مردان متاهل با این پشتوانه‌ی ذهنی صورت می‌گیرد که چون این‌گونه مردان ازدواج کرده‌اند، همسر و فرزند دارند؛ بنابراین با روابط فراتر از ارتباط رسمی اجتماعی اعتبار و آبروی خویش را به خطر نمی‌اندازند. همین‌جا است که دختران جوان این‌گونه مردان را ناجی مهربان پنداشته و بر آنان اعتماد می‌کنند. تصور می‌شود

پیش‌رفت کند. این‌گونه مردان وقتی به تدریج صاحب فرزند و اعتبار در شغل و هم‌چنین درآمد بالا می‌شود زمانی که می‌بینند علاوه بر داشتن وجهی اجتماعی بالا، پول و امکانات فراوان دارد و از فراغت بیش‌تری هم برخوردار است؛ بنابراین به دنبال پر کردن خلاءهای روحی گذشته‌اش می‌رود. زنده‌گی و ایام جوانی را که به نظر خودش تجربه نکرده است در سنن سنی و پنج [چهل ساله‌گی می‌خواهد دوباره آزمایش کند و در پی ارتباط با دختران جوان می‌برایند.

همسران این‌گونه مردان، بیش‌تر زنان سنتی و محافظان حریم خصوصی این مردان و به تعبیری - خانم خانه

گونه روابط می‌تواند وابسته‌گی برای خود مرد ایجاد کند و در کنار فاصله‌ی فیزیکی، فاصله‌ی روانی هم میان زن و شوهر ایجاد شود. زمانی که این‌گونه مردان به خانه‌های خودشان برمی‌گردند بیش‌تر اوقات این زن و شوهرها به جنگ و جدل لفظی و اتهام کم‌کاری در قبایل مسوولیت‌های یکدیگر سپری می‌شود.

دسته‌ی سوم شامل کسانی هستند که از زنده‌گی طولانی زناشویی که یک دست شده خسته شده‌اند. از آن‌جا که رابطه‌ی شان مثل گذشته برای شان جذابیتی ندارد، به دنبال چیزی می‌گردند که احساسات شان را با آن ارضا کنند. هرچند این‌گونه مردان برای حفظ چهارچوب خانواده به دلایل مختلفی چون وجود فرزند یا منافع مالی و یا آبروی اجتماعی، قصد جدایی ندارند؛ اما برای روزهای کسالت‌آور شان به دنبال ارتباط‌های مقطعی و متنوع هستند. متأسفانه این افراد در بسیاری

موارد به جای ترمیم رابطه با همسر، تنها راه‌حلی که به نظرشان می‌رسد وارد شدن به رابطه‌های پنهانی است. هم‌چنان در کنار این رابطه‌های کوتاه مدت یا طویل به زودخورد روحی یا حتا گاهی فیزیکی با همسرشان نیز ادامه می‌دهند.

دسته‌ی چهارم کسانی هستند که به دنبال پر کردن خلاءهای روحی گذشته شان می‌باشند. اغلب این تیپ از مردان، با برقراری روابط با دختران جوان مجرد در پی جبران بخش‌هایی از زنده‌گی گذشته شان هستند. مردی که در سال‌های پایان نوجوانی و آغاز دوران جوانی مطابق سنت‌های خانواده‌گی ازدواج می‌کند، ممکن است پس از مدتی که از دوران خوش طلاپی ازدواج گذشت و وارد بستر حقیقی زنده‌گی شد، در دنیای کار و تحصیل



ادامه از صفحه اول

## حضور گسترده...

و از حکومت خواستار امنیت راه‌های مواصلاتی و مناطق هزاره‌نشین شدیم، ولی نه تنها اوضاع امنیتی بهبود نیافت بلکه هر روز بدتر از قبل شد. مدت‌هاست که مردم هزاره در ارزگان، مالستان و جاغوری مورد حمله و تهدید قرار می‌گیرند. بسیاری کشته شده و بسیاری دیگر آواره و بی‌خانمان شدند و دولت در این مورد اقدام عملی نداشته تا این تهدیدات را از مردم دور کند. در حالی که این قدرت را داشته است. این بی‌تفاوتی دولت باعث خشم مردم شده و بعد از روزها تحمل‌شان تمام شده و به خیابان آمده‌اند.»

در مورد نقش زنان در اعتراض‌های مدنی نیز افزود که زنان مانند همیشه فعالانه در این اعتراض شرکت داشتند. بعضی از آن‌ها در نیمه‌های شب به اعتراض کننده گان پیوسته و تمام شب این‌جا در کنار دیگر تظاهرات کننده‌گان بودند. بیش‌تر این بانوان جوانان دانش‌جو هستند و این بسیار امیدوارکننده است که دختران جوان ما مسوولیت‌پذیر و در مقابل اوضاع کشور و مردم‌شان حساس هستند و منفعل عمل نمی‌کنند.

این در حالی است که زنان در سال‌های اخیر در تشکیل و پیشبرد جنبش‌های دادخواهی برای آسیب‌دیده‌گان جنگ و مسایل حقوق بشری هماهنگ و همگام با مردان جامعه حرکت کرده‌اند و در قبایل سرنوشت جمعی جامعه بیش

از پیش حساس و مسوولیت‌پذیر هستند. اعتراض در کابل از یکشنبه شب تا ظهر روز دوشنبه ادامه یافت و پس از پذیرفته شدن تمامی خواست‌های معترضین از سوی محمدآشرف غنی، رییس جمهور کشور، اعتراض پایان یافت. هم‌چنین این تظاهرات نه تنها در کابل، بلکه در ولایت‌های بامیان، دایکندی، غزنی و بلخ نیز هم‌زمان جریان داشت و نقطه عطف مظاهره‌های مدنی این‌بار این بود که حضور بانوان گسترده بود و حضور آنان در شکل‌گیری و گسترده‌گی تظاهرات نقش عمده داشت.

**زنده‌گی پر است از لحظاتی که تصمیم می‌گیریم. بنابراین، باید بدانیم که بعضی از تصمیم‌ها از همان اول محکوم به شکست است. هر آدمی در زنده‌گی خود ممکن است خطاهایی داشته باشد؛ اما بنا نیست انجام یک اشتباه مجوزی باشد برای ادامه دادن آن. رابطه ممنوعه ممکن است در ابتدا با یک روند معمولی مثل رابطه کاری شروع شود ولی به تدریج سبب وابسته‌گی می‌گردد و در کنار آن شغل و حمایتی که با اتکا به یک رابطه‌ی پنهانی با سرعت به دست بیاید، به همان سرعت نیز از دست خواهد رفت. بنابراین، جز لطمه‌های روحی و برچسب خوردن میان مردان و زنان نتیجه‌ی دیگری برای ما نخواهد داشت.**

که با اعتماد به آنان می‌توان سریع‌تر به آمال و آرزوهای خویش رسید. از همین رو دختران جوان با این مردان، رفتار mother-lover را انتخاب کرده و پیش می‌روند. برخی از این مردان حتا رابطه‌ها را به حریم‌های خصوصی این دختران می‌کشاند و ضمن صرف پول به لذت‌های خود نیز دست می‌برند.

مرد متاهلی که حاضر به جدایی از همسرش نیست و پایان دادن رابطه‌ای را که به تصور خودش سرد شده است، ممکن نمی‌داند ولی وارد رابطه فرا زناشویی می‌شود؛ دو حالت دارد. یا قادر به متعهد بودن نیست و یا این‌که قادر به حل مشکلات با همسرش نیست و از این دست ارتباط‌ها به عنوان زنگ تفریح یا فرصتی برای تمدد اعصاب استفاده می‌کند. درست یا غلط بودن نفس این رابطه‌ها توسط دختران جوان به این برمی‌گردد که چه دست‌آوردی برای شان دارد. اگر این مردان نردبانی برای پیش‌رفت و رهایی از چنگال فقر و بدبختی دختران است، آنان می‌توانند به اهداف خود ولو مقطعی برسند و به روح یک دختر جوان نمی‌تواند آسیب بزند؛ اما واقعیت چنین نخواهد بود، بلکه مردان در این رابطه‌ها مطابق با شرایط و تعهداتی که برای خود شان تعریف کرده‌اند می‌توانند پیش بروند و سواستفاده هم بکنند.

وقتی زوجین هم‌دیگر را دوست دارند، حتمن به هم عشق ورزیده و به یک‌دیگر اعتماد دارند، اما از لحظه‌ای که شک و تردید در رابطه‌شان شکل می‌گیرد، عشق بین زوجین رو به زوال گذاشته و ذره ذره از بین می‌رود و این مسئله می‌تواند روی فرزندان خانواده هم تاثیر

بگذارد. برخی از زنان در زنده‌گی زناشویی به دلیل ترس از دست دادن حمایت مالی همسر و نگرانی از آینده آن‌چنان بر روی کار و سرمایه‌گذاری تمرکز می‌کنند که یادشان می‌رود در کنار کار خود وقتی را هم برای زنده‌گی مشترک با همسرشان اختصاص دهند. لذا خواسته یا ناخواسته باعث ایجاد شکاف در رابطه خود با او می‌شوند. به این دسته از خانم‌ها پیشنهاد می‌شود که تعادلی بین کار و توجه به زنده‌گی مشترک خود برقرار کنند و در زمینه روش‌های هرچه بهتر کردن رابطه عاطفی و عاشقانه خود و یا تصمیم‌هایی که لازم است برای آینده زنده‌گی مشترک‌شان اتخاذ کنند، با یک‌دیگر صحبت کنند.

دختران جوان نیز باید بدانند که بازنده‌ی تمام این رابطه‌ها، اگر به شکل ناسالم و بدون آگاهی پیش برود، فقط یک نفر است و آن هم جنس زن است؛ چه این طرف ماجرا دختر جوان مجرد باشد و چه همسر آن مرد که ما قسه‌ی زنده‌گی‌اش را از زبان این مرد شنیده و در موردش قضاوت کرده‌ایم و به ارتباط مان با یک مرد متاهل ادامه داده‌ایم. در این صورت، بیش‌تر به تنهایی و آسیب زدن به یک زن و یک هم‌جنس خودمان کمک کرده‌ایم؛ این‌جا نه تنها دختر جوان قربانی می‌شود، بلکه همسر آن مرد نیز قربانی‌ای است که رابطه‌های خانواده‌گی‌اش آسیب می‌بیند.

زنده‌گی پر است از لحظاتی که تصمیم می‌گیریم. بنابراین، باید بدانیم که بعضی از تصمیم‌ها از همان اول محکوم به شکست است. هر آدمی در زنده‌گی خود ممکن است خطاهایی داشته باشد؛ اما بنا نیست انجام یک اشتباه مجوزی باشد برای ادامه دادن آن. رابطه ممنوعه ممکن است در ابتدا با یک روند معمولی مثل رابطه کاری شروع شود ولی به تدریج سبب وابسته‌گی می‌گردد و در کنار آن شغل و حمایتی که با اتکا به یک رابطه‌ی پنهانی با سرعت به دست بیاید، به همان سرعت نیز از دست خواهد رفت. بنابراین، جز لطمه‌های روحی و برچسب خوردن میان مردان و زنان دیگر نتیجه‌ی دیگری برای ما نخواهد داشت.

جدد گیسو

بسی گل شریفی

مرد کودک را گرفت

کارد روی گلوی زنی صدا می‌کرد

صحنه به عقب بر می‌گردد

شیرین با چهل زن بر کوه ایستاده است

از ارزگان

نه، بامیان

از مزار شریف

افشار

از زابل شروع می‌شود

چاقو حالا بر گلوی پیرمردی صدا می‌دهد

مرد دست دختر را فشار داد

حالا شیرین بر کوهی در یکولنگ ایستاده است

نه؛ در هزاره تاون

بر گوری دسته جمعی مخته می‌خواند

مرد بر گلوی دختر فشار می‌دهد

شیرین با چهل زن در آستانه ی تاریخ ایستاده است

پیرزن دست و پا می‌زند

صدای خرخر گلو می‌آید...

شیرین می‌گرید

دختر بر سر کوهی منتظر است

مرد پاهایش را جمع می‌کند

پیرزنی الله اکبر می‌گوید

شیرین الله اکبر

مرد با چاقویی در دست

الله اکبر می‌گوید

زمزمی از گلویش می‌جوشد

مرد به آخرین دست و پا زدن‌ها می‌نگرد

شیرین پای کوهی در ارزگان

عروج کرده است

شکر به میان گلوی زنی در کابل

فریاد می‌شود

# دست‌آوردهای هفده سال اخیر زنان با هیچ‌گونه صلی قابل معامله نیست



دکتر حسین احمدی

گفت‌وگو با دکتر حبیبه سرابی، معاون شورای عالی صلح افغانستان

دکتر صاحب، خرسندیم از این که برای ما وقت گذاشتید. در نخست باید درنگی داشته باشیم بر جایگاه سیاسی زنان در افغانستان. شما به عنوان یکی از پیشاتازان عرصه سیاست از میان خانم‌ها که سال‌های زیادی را در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و اداری دولت کار کرده‌اید، جایگاه زنان را در عرصه سیاست در افغانستان چگونه بررسی می‌کنید؟ ابتدا تشکر می‌کنم از شما و هم‌کاران گرامی‌تان در هفته‌نامه نیمرخ که در راستای حمایت از زنان کار می‌کنید. وضعیت فعلی زنان و جایگاه سیاسی شان در افغانستان کنونی همه مربوط به تغییری است که در قانون اساسی کشور به وجود آمد. آن چه زندگی زنان را بیش‌تر تغییر می‌دهد و آنان را کمک می‌کند تا به حقوق شان دست یابد، حمایت قانونی است. قانون اساسی افغانستان در بخش حقوق شهروندی، به رعایت حقوق زنان پرداخته و از زنان حمایت می‌کند. تصویب قانون مدنی و قانون منع خشونت علیه زنان نیز باعث شد تا زنان در عصر نوین افغانستان با حمایت قانونی وارد عرصه‌های اجتماعی و سیاسی شوند که این خود دست‌آورد لابی‌گری سیاسی شماری از زنان بود. من به خاطر دارم که در هنگام تدوین قوانین برای رعایت حقوق زنان چه‌قدر تلاش کردیم تا حقوق زنان در قوانین کشور به ویژه قانون اساسی تثبیت شود و جهت مشارکت سیاسی زنان سهمیه‌بندی موقت صورت بگیرد. حمایت‌های قانونی توانست راه را برای حضور زنان در عرصه سیاست باز کند و زنان زیادی در پارلمان کشور، وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی و صفوف نیروهای امنیتی حضور یافتند. اکنون که زنان در این عرصه حضور یافته‌اند، می‌توانند در هماهنگی هم‌دیگر جایگاه و تاثیرگذاری شان را ارتقا ببخشند و بیش‌تر کار کنند.

درست است، حالا زنان در افغانستان با وجود حمایت‌های قانونی وارد عرصه‌های سیاسی شده‌اند و در قدرت نیز سهم قانونی دارند. اما پس از تشکیل نظام دموکراتیک پسا طالبان، یک مسئله جنجال‌برانگیز باقی ماند و آن هم فرونشانی گروه‌های مسلح بود که در مخالفت با نظام قد کشیدند. سپس شورای عالی صلح تشکیل شد و از طریق گفت‌وگوها بخشی از این گروه‌ها به دولت پیوستند. حالا، از یک‌سو جنگ جریان و از سوی دیگر گفت‌وگوهای صلح چندین سال است که با طالبان جریان دارد تا این گروه همانند دیگر گروه‌های سیاسی و شهروندان عادی زیر چتر یک قانون و یک نظام زندگی کنند. زنان در کجای این گیرودار صلح قرار دارند؟

همان‌گونه که در مورد قانون اساسی کشور بحث کردیم، بعضی از میثاق‌های بین‌المللی نیز وجود دارد که از جانب سازمان ملل متحد تصویب و نشر می‌شود و کشورهای عضو به رعایت و تطبیق این اسناد مکلف اند. به طور مثال، قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد یکی از مواردی است که حقوق زنان را در رابطه به جنگ و صلح تعریف کرده است. این قطع‌نامه چهار اصل عمده و اساسی دارد: ۱. مشارکت زنان در روند صلح؛ ۲. محافظت از زنان در هنگام جنگ؛ ۳. جلوگیری از خشونت علیه زنان و ۴. تامین رفاه و آسایش زنان. دولت افغانستان بنابر عضویت در سازمان ملل، متعهد و مکلف بر رعایت اصول این اسناد است. بنابراین، قطع‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل راه را برای ورود زنان در پروسه صلح باز کرد. در سال ۲۰۱۵ میلادی دولت افغانستان برای این قطع‌نامه برنامه عمل تدوین کرد و حضور زنان در شورای عالی صلح که یک نهاد ملی است، ضروری پنداشته می‌شد؛ بنابراین زنان باید در محل تصمیم‌گیری این شورا حضور می‌داشت. قرار شد یک خانم به عنوان معاون شورا برگزیده شود.

دکتر صاحب، شما حالا به عنوان معاون شورای عالی صلح هستی، اما مسئله مهم، تاثیرگذاری زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌ها و گفت‌وگوهای صلح است؛ آیا زنان واقعاً این صلاحیت را دارند؟

زمانی که شمار زنان در داخل شورای عالی صلح زیاد شد، چانه‌زنی‌ها هم شدت گرفت تا زنان در محل تصمیم‌گیری و گفت‌وگوها نیز حضور داشته باشند. در مذاکره‌های صلح با حزب اسلامی به رهبری گلبدین

حکمتیار که یکی از گروه‌های مسلح بود و به دولت پیوست، من حضور داشتم و در مذاکره با طالبان نیز زنان هم‌چنان حضور خواهد داشت و بر خواسته‌ها و رعایت حقوق زنان تاکید خواهد کرد.

این درست است که زنان در شماری از مذاکره‌های قبلی صلح حضور داشتند و در مذاکره‌های بعدی با طالبان نیز از آدرس شورای عالی صلح حضور خواهند داشت؛ اما بحث این‌جاست که گروه طالبان به عنوان یک گروه تروریستی و افراط‌گرا با اصل مشارکت سیاسی زنان، آزادی زنان، آزادی بیان و ارزش‌های دموکراتیک سر سازگاری ندارد. پس این پارادوکس چگونه حل خواهد شد که زنان از طریق یک فرایند سیاسی و با حضور شان در گفت‌وگوهای صلح، چنین گروهی را متقاعد کنند تا به دولت بپیوندند و مانند دیگر

شود. در بیست ولایت کشور این برنامه انجام شده است و نظریه‌های مختلفی گرفته شده است. حالا، در مذاکره‌های صلح ما همین نظرها و خواسته‌های زنان را مطرح می‌کنیم و تاکید ما بر این است که زنان دیگر وضعیت گذشته را تحمل ندارند و صلح را به شرطی می‌پذیرند که وضعیت شان بهبود یابد، نه آن‌که تاریکی گذشته تکرار شود. حفظ ارزش‌های دموکراتیک، دست‌آوردها و جایگاه زنان که در جریان هفده سال اخیر به دست آمده است، با هیچ‌گونه صلی قابل معامله نیست و در تمام مذاکره‌های صلح چه به گونه مستقیم و چه به گونه غیرمستقیم از طریق جریان‌های سیاسی که روابط ما را با طالبان تامین می‌کند، بر این امر تاکید می‌کنیم.

از جریان فرایند گفت‌وگوهای مستقیم و غیر مستقیم صلح دولت افغانستان با گروه طالبان چه برمی‌آید؛ آیا طالبان این ارزش‌ها را ارج



از آن‌جا که زنان افغانستان در فرایند راه‌اندازی جنگ نقشی نداشته ولی قربانی شده‌اند، حالا تلاش می‌کنند تا در خاموشی جنگ و تامین صلح تاثیرگذار باشند. بنابراین هدف ما تدویر برنامه‌های اجتماعی و لابی‌گری سیاسی، تشکیل یک شبکه قدرت‌مند زنان در راستای تامین صلح و محو خشونت است که زنان از آدرس اجتماعی و سیاسی شان فعالیت کنند تا در تامین صلح اجتماعی و هم‌چنان در تحقق صلح سیاسی تاثیرگذار باشند و جایگاه سیاسی شان را نیز تثبیت کنند.

نهاد و خواسته‌های زنان را خواهد پذیرفت یا هم‌چنان بر اصول نظام افراط‌گرایی امارت اسلامی شان پافشاری می‌کند؟

در پروسه صلح، تلاش‌های که تاکنون انجام شده، بیش‌تر بر آن بوده تا برای مذاکره‌های مستقیم زمینه سازی شود و خواسته هردو جانب در میز گفت‌وگوی اصلی مطرح گردد. بیش‌تر گفت‌وگوها تاکنون برای یک اجماع ملی و بین‌المللی در مورد تامین صلح در افغانستان بوده و بحث حفظ ارزش‌های ما و یا پذیرش خواسته‌های آنان مربوط به قدرت و سماجت هیات صلح است که در جریان مذاکره‌های مستقیم به چه میزان تلاش می‌کند و چه کاری خواهد توانست.

اگر توافق صلح دولت با طالبان انجام شود، سرنوشت سیاسی زنان چه خواهد شد؛ آیا این پیام را به طالبان رسانده‌اید که ملت افغانستان، به ویژه زنان این صلح میان دولت و طالبان را با چه بهایی قبول دارند و اگر توافق شود، از کدام خواسته‌های شان نمی‌گذرد؟ ما به عنوان حامیان حقوق زنان در کشور و عضو شورای عالی صلح از آدرس شورا بارها به حکومت

گوش‌زد کردیم، به عوامل ارتباطی ما با طالبان نیز گوش‌زد کرده‌ایم و با جامعه بین‌المللی نیز بارها مطرح شده که صلح را قبول داریم، ولی دست‌آوردهای زنان افغانستان نباید نادیده گرفته شود. پس از این نیز در فرایند صلح بر این موضع پافشاری می‌کنیم و از هیچ ارزشی که تامین‌کننده حقوق زنان باشد، نمی‌گذریم؛ اما این که سرانجام صلح چه خواهد شد نیازمند آن است تا زمان بگذرد و نتیجه گفت‌وگوها روشن شود.

زمینه‌سازی‌ها برای انجام گفت‌وگوهای مستقیم دولت با طالبان در کدام مرحله قرار دارد؟

هم‌چنان که در بحث‌های قبلی نیز مطرح شد، تاکنون مذاکره‌هایی که صورت گرفته در واقع زمینه‌سازی برای اقناع طالبان به صلح بوده، اکنون آنان اراده‌ی برای پیوستن به صلح را نشان داده‌اند و گفت‌وگوهای که حالا جریان دارد پیش زمینه مذاکره‌های مستقیم است تا در مورد نحوه و امضای توافق‌نامه صلح بحث شود.

بیش‌تر نشست‌های صلح افغانستان در سطح منطقه‌ای و جهانی همه در بیرون از افغانستان صورت گرفته است، انتظار شما از «نشست صلح مسکو» چه است؟

امیدواریم که نشست مسکو زمینه‌ساز تداوم گفت‌وگوهای مستقیم باشد، ولی شورای عالی صلح بیش‌تر کارهای خود را در داخل کشور انجام می‌دهد تا بستر توافق صلح را در داخل کشور فراهم کند. بیرون از کشور وزارت خارجه به عنوان یک نهاد سیاسی حکومت نماینده رسمی دولت است و شورای عالی صلح می‌تواند به عنوان هم‌کار عمل کند، هم‌چنان که در داخل کشور نهادهای دیگری با ما هم‌کاری می‌کنند.

و در آخر، چون جنگ‌جویان و اعضای گروه‌های تروریستی در افغانستان مردان هستند، به نظر شما در فرایند صلح، زنان از کدام جایگاه بیش‌تر موثر خواهد بود؛ آیا یک زن به عنوان یک مادر، همسر، خواهر و یا دختر یک مرد می‌تواند جنگ‌جویان مخالف دولت و اعضای گروه‌های تروریستی را از درون خانه بهتر متقاعد کند که در این خط نروند و یا از جایگاه سیاسی قادر خواهند بود تا برای پیوستن کل ساختار این گروه‌ها به دولت، کار کنند؟

زنان در هردو بخش می‌توانند نقش تاثیرگذار داشته باشند. ضمن آن که در شورای عالی صلح زنان حضور دارند و از این آدرس در یک فرایند سیاسی گفت‌وگوهای صلح کار می‌کنند، برنامه‌های «مادران صلح» در این شورا فعال شده است که برای تاثیرگذاری زنان در فرایند صلح از آدرس اجتماعی شان نیز تلاش می‌شود. زنان می‌توانند مردان خانواده را متقاعد کنند تا به این گروه‌ها نپیوندند.

برنامه «مادران صلح» را اگر واضح بگویید که چه ماموریت دارد و چه کار خواهد کرد؟

هدف از راه‌اندازی برنامه مادران صلح این است که گروه‌هایی از زنان رضاکار در راستای حمایت از تامین صلح در کشور ساخته شود و در سراسر کشور فعال شوند تا بستر صلح را در متن جامعه فراهم کنند. کار این زنان راه‌اندازی برنامه‌های آگاهی‌دهی است. این گروه‌های مادران صلح از کل کشور در هماهنگی هم‌دیگر برای تغییر ذهنیت زنان کار می‌کنند تا بر سر هر مخالف مسلح از درون خانه‌اش تبلیغ شود تا فرهنگ خشونت به فرهنگ صلح تبدیل شود. در ابتدا ولایت‌های قندهار، غور و پروان به صورت آزمایشی این برنامه راه‌اندازی شد؛ پس از آن که نتیجه مثبت گرفتیم در شش ولایت دیگر نیز به راه افتاد. از آن‌جا که زنان افغانستان در فرایند راه‌اندازی جنگ نقشی نداشته ولی قربانی شده‌اند، حالا تلاش می‌کنند تا در خاموشی جنگ و تامین صلح تاثیرگذار باشند. بنابراین هدف ما با تدویر برنامه‌های اجتماعی و لابی‌گری سیاسی، تشکیل یک شبکه قدرت‌مند زنان در راستای تامین صلح و محو خشونت است که زنان از آدرس اجتماعی و سیاسی شان فعالیت کنند تا در تامین صلح اجتماعی و هم‌چنان در تحقق صلح سیاسی تاثیرگذار باشند و جایگاه سیاسی شان را نیز تثبیت کنند.

# مردان متاهل؛ میوه‌های ممنوعه!



تحلیل  
بکتول سید حیدری

بسیاری از مردان متاهل با استفاده از جایگاه‌شان در اجتماع و داشتن زن و فرزند، می‌کوشند با دختران جوان و مجرد ارتباط برقرار کنند

دسته‌ی اول مردانی هستند که با همسران خود زنده‌گی خوبی دارند، از شغل و اعتبار خوبی هم برخوردارند؛ اما از روی خودنمایی یا خوش گذرانی با دختران جوان ارتباط برقرار می‌کنند. این تیپ از مردان تلاش دارند تا به هم‌کاران خود نشان دهند که توانایی برقراری ارتباط با دختران جوان را دارند. از سویی هم ممکن است آنان برای سرگرمی، به چنین رابطه‌های بی‌پایداری اقدام کنند و باعث تفریحات آنی برای خود و دوستان شان شوند. تنها چیزی که از این روابط در پایان باقی می‌ماند غرور خرد شده‌ی دختران جوان است. دخترانی که برای دقایقی دست‌آویزی شده تا مردان بی‌کار پول‌دار خوش بگذرانند. مرد مورد نظر با دختری این کار را می‌کند که با هزار و یک آرزو برای یافتن شغل و یا رفع مشکلش دور میز می‌گفت‌وگو می‌نشیند.

دسته‌ی دوم مردانی هستند که زن و فرزندشان در کشور دیگری زنده‌گی می‌کنند و برای کار و درآمد در افغانستان به صورت دائمی و یا مقطعی به سر می‌برند.

فضای ملال‌آور افغانستان و نبود امکانات تفریحی سرگرمی لازم و کافی در کنار دوری از خانواده مجبورشان می‌کند تا به شکل دیگری اوقات زیاد بی‌کاری شان را پر کنند. از پیام‌بازی با دختران جوان گرفته تا تشویق آن‌ها در کارهای شان با مکالمات تلفنی طولانی، همین‌طور دیدار دختران در کافه‌ها و رستوران‌ها یا حتی گپ‌وگفت در اتاق کاری شان؛ درحالی‌که هیچ‌گونه حمایت حقیقی جز سرگرم کردن خودشان مدنظر ندارند. هرچند بعدها این ... ادامه در صفحه ۲...

در بیرون از خانه تمام مسوولیت‌ها را از روی دوش خود سلب کرده، اول در شبکه‌های مجازی، بعد در فضاهای واقعی به دنبال جلب نظر، اعتماد و ارتباط با دختران جوان هستند. در این نوشته بررسی می‌کنیم که آیا این دسته از مردان واقعن دغدغه‌شان حل مشکلات جامعه‌ی زنان افغانستان است؟ آیا آن‌ها به دنبال رشد و

معضلی که این روزها در جامعه‌ی جنگ زده‌ی افغانستان به یک پدیده‌ی اجتماعی ولی پنهان درآمده است ازدیاد ارتباط گرفتن مردان متاهل با دختران جوان مجرد است.

نسل جوان به‌خصوص دختران که برای ورود به بستر اجتماع تابوهای کوچک و بزرگ خانواده‌گی-اجتماعی را می‌شکنند و سرشار از امید برای آینده‌ی روشن و داشتن دنیای مستقل وارد دانشگاه و یا فضاهای اجتماعی می‌شوند. این نسل، اما به خاطر گسترده‌گی شبکه‌های ارتباطی، نگاه شکارچینی را که در ردای روشن‌فکری و خدمت به جامعه‌ی زنان پرچم «آزادی و برابری» را بلند می‌کنند، به دنبال‌شان عمیق‌تر و تیزتر می‌کنند. حقیقت این است که این تیپ از مردان در کنه ذهن شان به برابری حقوق زنان و مردان باورمند نیستند. اکثر این مردان در پست‌های مهم دولتی و یا موسسه‌های خصوصی کار می‌کنند، درآمدشان زیاد است و جایگاه اجتماعی نسبتن خوبی دارند. بنابراین، یکی از ترفندهای شان وجهی غیر تعمدی دادن و پنهان کردن حقیقت در مورد روابط این چنینی، داشتن همین لقب‌های بلند شغلی و یا سابقه‌های کاری شان است. در کنار تمام آن‌ها «متاهل بودن شان» نشان سبز برای جلب اعتماد مخاطب جوان روبه‌روی شان است. درحالی‌که اغلب این مردان متاهل و به ظاهر روشن‌فکر، زنی را در پستوی خانه و مطبخ شان در قفس به زندانی گرفته‌اند. این مردان، بارها کردن همسرشان در میان کارهای خانه و یا اشتغال



© picture alliance/dpa/A. War

بالنده‌گی دختران جوانی هستند که در حساس‌ترین مرحله سنی قرار دارند و مایل‌اند به سرعت دیده و مطرح شوند؟ و یا مسئله چیز دیگری است؟ باید یادآوری شود که به آن تیپ از مردانی که تنوع طلبی و بی‌بندوباری حتی به قیمت قربانی کردن زن شان شاکله‌ی زنده‌گی شان شده است و به نوعی در ارتباط با زنان، دچار بیماری افسارگسیخته‌ی روانی شده‌اند، اشاره نخواهد شد. این گروه از مردان را به چهار دسته تقسیم و بررسی می‌کنیم.



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۱ • سه‌شنبه ۲۲ عقرب ۱۳۹۷  
Monday • November 13, 2018  
Vol. 2 • No. 61



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سرمدبیر: ریحانه رها

گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی

عکاس: نیلوفر نیک‌پور

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com



همه باهم به سوی صلح!

افغانان دینداره، ټولنیز او راتلونکې ته هیله من خلک دي. له همدې امله ټولې پرگنې باید په یووالي، شفقت او وروړولۍ کې ژوند وکړي. د هرات د عالمانو شورا رییس مولوی خداداد صالح وویل: "خدای 'ج' په قرانکریم کې فرمایي چې مسلمانان له یو بل سره وروڼه دي. د اسلام د لارښوونو پر بنسټ د خپلو وروڼو تر څنګ په سوله ییز چاپیریال کې ژوند وکړئ."

یوځای د سولې پر لور!



افغانها مردم متدین، اجتماعی و امیدوار به آینده هستند. از اینرو همه اقوام باید با مهربانی، شفقت و برادری باهم زندگی کنند. مولوی خداداد صالح، رییس شورای علمای هرات گفت: "خداوند 'ج' در قرانکریم می‌فرماید که مسلمانان برادر یکدیگر هستند. در کنار برادران تان در فضای صلح بر مبنای احکام اسلام، زندگی کنید."